

اشعار روضه

(مناجات با امام زمان(عج

دلّم براي دیدنت عذاب شد نیامدي

چقدر دوري شما عذاب شد نیامدي

به شهر وعده داده ام که مي رسي و پيش شان

دوباره نوکر شما خراب شد نیامدي

صدای زدي حسين را ، صدا زدم حسين را

تمام عمر من پُر از جواب شد نیامدي

شب يتيم مجتبي گذشت و من ندیدمت

چقدر شاخه هاي گل گلاب شد نیامدي

شبِ علي اکبر است، رسيد صاحب عزا

بين که مادرت ز گريه آب شد نیامدي

شاعر: حسن لطفی

شعر واحد سنگين

کمي روبرويم بهان تا / تماشا کنم قامتت را
که تا لا اقل "ان يکاد"ي/ بخوانم بر آن قد و بالا
بهان اي همه شوق و ذوقم/ که دلتنگ پیغمبرم من
که سخت است و تلخ است و سنگين/ ز دیدار تو دل
بریدن

علي جان علي جان / برو سوي ميدان
شده عيد قربان / شده عيد قربان
(الوداع، علي اکبر)

خدایا تو اينک گواهي/ که من میفرستم به ميدان
همه خاطرات خوشم را/ به سوز دل و چشم گريان
رخش آينه دار زهرا/ قد و قامتش مثل حيدر
سخن گفتنش، خلق و خلّش/ يکايک شبیه پيغمبر
خدایا در اين دم/ رود جانم از تن
سوي اينهمه گرگ/ رود يوسف من
(الوداع، علي اکبر)

تحميل کن اين تشنگي را/ يل خسته تشنه کامم
که آبي بجز اشک حسرت/ نمانده دگر در خيامم
خدایا مبادا که اسبش/ کنون گم کند راه خود را
رود سوي اردوي دشمن/ شود سرو من ارباً ارباً
:من و دیده تر/ تو و حرف آخر
لبم گشته سیراب/ ز دست پیغمبر
(الوداع، علي اکبر)

شاعر: دکتر محمد مهدي سیار

شعر واحد (قالب غزال)

شور

أحمد الله، أبا عبدالله، توى قلبم جا داره
فردای محشر، با خنده میگم، این نوکر آقا داره
دم مست روضه هاشه توی ایوون طلاشه
همه عالم میدونن بهشت کربلاشه
پرچی که رو دوش ماست - عَلم شاه کربلاست
دل من آقاجون فقط - تو حسرت ایوون طلاست
"ارباب منو ببر کربلا"

هر روز و هر شب، با ذکر زینب، دم میشه با صفا
با ذکر عباس، با شور و احساس، هیئت میشه کربلا
دم مست یک نگاهه محو چشمای ماهه
اشک چشمم نوشته حسین پادشاهمه
من خونه زاده هیئتم - دیوونه ی زیارتم
دل غریمو حسین - بیر تو بین الحرمین
"ارباب منو ببر کربلا"

خدا گواهه، روزم سیاهه، میدونم آقا بَدَم
اما با این کار، چندوقتی یک بار، مسافر مشهدم
آقا دیوونم ز جامت با کفتــــرای بامت
باهم میگیم یک صدا امام رضا می خوامت
حرم تو چه باصفاست - برام مثل کرب و بلاست
زیارتت امام رضا - مثل زیارت خداست
"ارباب منو ببر کربلا"

شاعر: محمد محمدی

با سر می آورم
این دست را که در بِرِ دلبر می آورم
دستم که جای خود
تو سر تکان بده به خدا سر می آورم

هر چند از عطش
یک لب به خشکی لب اصغر می آورم

لب تر کنی اگر
با چشم خیس چشمه ی کوثر می آورم

اصلا تو جان بخواه
اصلا بگو سپاه بیاور، می آورم

رخصت اگر دهی
از بین کودکان دو سه لشکر می آورم

بابای من شدی
من هم شجاعت علی اکبر می آورم

پس با خودم دوا
از اشک های حضرت مادر می آورم

شاعر: مهدی رحیمی

متن سرود پایانی

پیرو راه سرخ اربابیم - با نوای حسین(ع) در تب و تابیم

هرکجا رفتیم گفتیم با حسین(ع) هستیم

از ازل دل را به موج پرچمش بستیم

گدایی ساده ایم، به او دل داده ایم

سیه پوش غم و محرم زاده ایم

حسین(ع)، آرام جانم

حسین(ع)، روح و روانم

ما دلیران خاک ایرانیم - طفل گهواره پیر جمارانیم

هر زمینی هر زمانی کربلا دارد

شیعه بر لب نغمه ی یا لیتنا دارد

غلام حیدریم، به زهرا نوکریم

ولایت محور و فدای رهبریم

حسین(ع)، آرام جانم

حسین(ع)، روح و روانم

شاعر: سید سعید ضیاءتبار